



## سعادت‌مند شدن مردم به عنوان یک ارزش اخلاقی اصولاً وقتی ارزش تلقی می‌شود که بر اساس اختیار و اراده آزاد مردم تحقق یافته باشد. به بهشت رفتن شایستگی اخلاقی و رفتاری می‌خواهد و این شایستگی با زور حاصل نمی‌شود

دولت اسلامی موظف است برای تأمین سعادت شهروندان تلاش بکند. اما در کنار استناد به این دلایل سه‌گانه باید توجه داشته باشیم که ضوابط دیگری هم وجود دارد که در راستای سعادت‌مند شدن شهروندان دولت اسلامی باید لحاظ شود، یعنی اینکه نباید غفلت بکنیم از ضوابط و موازین متعددی که در شریعت اسلام وجود دارد. سعادت‌مند شدن راه مشخصی دارد، این چنین نیست که دولت اسلامی موظف باشد از هر طریقی این هدف را تأمین کند. همان‌طور که هدف تعیین شده است، راه رسیدن به هدف نیز در منابع دینی ما مشخص شده است. این راه رسیدن به هدف را ما با مراجعه به منابع دینی بر اساس ضوابطی که از همین منابع قابل استخراج است می‌توانیم مشخص کنیم.

### اگر رساندن یا تمهید سعادت جامعه فعل دولت باشد، این فعل چگونه است و با چه ضوابط و سازوکاری باید صورت بگیرد؟

یکی از ضوابطی که در مسیر تأمین این هدف، یعنی سعادت‌مند کردن شهروندان دولت اسلامی، باید مورد توجه قرار بگیرد اصل رفق و مدارا است. پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرموده است که «أَمْرِي رَيْبٌ بِمَدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ»<sup>۴</sup>، خداوند متعال به من دستور داده است با مردم مدارا کنم همان‌طور که دستور داده است که واجبات را انجام دهم. آیا این دستور به وضوح نمی‌فهماند که رعایت کردن مدارا و ملائمت با مردم در حد رعایت واجبات است. به وضوح این مطلب فهمیده می‌شود. و این نکته را خوب است اینجا تذکر دهم که مادر فارسی کلمه مدارا را به یک معنای خاص به کار می‌بریم و تصور می‌کنیم که مدارا در مورد دشمنان تحقق می‌یابد، در حالی که در عربی و اصطلاحات روایی ما کلمه مدارا اختصاص به رفتار با دشمنان ندارد. مدارا یعنی رفق ورزیدن و به ملائمت رفتار کردن، یعنی طرف مقابل را در فشار قرار ندادن، با نرمی، دوستی، سهولت، آسانی و خوش خلقی با طرف مقابل رفتار کردن؛ این معنای مدارا است. پس لازم است که دولت اسلامی در رفتاری که با مردم دارد، در تلاشی که برای سعادت‌مند کردن مردم دارد، اصل رفق و مدارا را رعایت بکند.

اصل دیگری که دولت اسلامی باید رعایت کند اصل اختیار و آزادی مردم است. سعادت‌مند شدن مردم به عنوان یک ارزش اخلاقی اصولاً وقتی ارزش تلقی می‌شود که بر اساس اختیار و اراده آزاد مردم تحقق یافته باشد. به بهشت رفتن شایستگی اخلاقی و رفتاری می‌خواهد و این شایستگی با زور حاصل نمی‌شود، بلکه با اراده آزاد انسان حاصل می‌شود. به تعبیر دیگر و با ذکر یک مثال این طور می‌توانم این مطلب را توضیح دهم که شما انسانی را تصور کنید که ظواهر دین را کامل مراعات می‌کند، نماز می‌خواند، روزه می‌گیرد و غیره، اما از نظر اعتقاد و پایبندی قلبی نسبت به موازین دینی این چنین نیست که در عمق دل خود معتقد به موازین دینی باشد، بلکه بر طبق عرف عادی که در جامعه او حاکم است و او هم از آن پیروی کرده است نماز می‌خواند و سایر واجبات را انجام می‌دهد و حتی جان خودش را هم در معرض خطر قرار داده و در جهاد شرکت کرده است. چنین کسی صلاحیت رفتن به بهشت را ندارد و بر همین اساس است که در روایت گفته شده است که «بَيِّنَةُ الْمُؤْمِنِ حَيْثُ مِنْ عَمَلِهِ»<sup>۵</sup> و آنچه که خداوند محاسبه می‌کند نیت افراد است، یعنی آن اراده واقعی و اعتقاد قلبی. در روایتی داریم که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ وَإِنَّمَا يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَبَيِّنَاتِكُمْ»<sup>۶</sup> که ببیند این عملی را که دارید انجام می‌دهید آیا برخاسته از یک اعتقاد واقعی است یا نه. پس ما نمی‌توانیم به عنوان دولت اسلامی مردم را به زور به بهشت ببریم و اصلاً امکان ندارد، نه اینکه ممکن

است و نباید دولت این عمل را انجام دهد. پس بر این اساس رعایت اختیار و آزادی مردم باید در سعادت‌مند کردن انسان‌ها یک اصل شمرده شود، چنان‌که خداوند نیز بر این اصل را در قرآن رعایت کرده است و در سوره انسان می‌فرماید: «أَنَا هَدَيْتُهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرًا وَإِنَّمَا كُفُورًا»<sup>۷</sup>. همین‌طور در قرآن وقتی که می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا إِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»<sup>۸</sup> آنچه وظیفه رسول الله است رساندن آشکار پیام الهی به شما مردم است و وظیفه رسول این نیست که شما را مجبور به عمل در احکام اسلام کند و این اختیار با شما است. معنای اختیار در عمل به احکام این نیست که هر کس به هر قستی از احکام اسلام که می‌خواهد عمل کند و به هر قسمتی که نمی‌خواهد عمل نکند. نه، باید بین محیط اجتماعی و محیط زندگی فردی تفاوت گذاشت، حریم خصوصی افراد با حریم اجتماعی آن‌ها تفاوت دارد و آنچه که انسان مختار است که در آن محدوده پایبند به آن باشد یا نباشد حریم خصوصی افراد است و انسان نمی‌تواند احترام دیگران را نقض کند و یا طوری رفتار کند که دیگران را در معرض خطر و ایجاد شبهه در فکر و ذهنشان قرار دهد و طوری رفتار کند که احترام قانون حاکم بر جامعه را نقض کند و این‌ها جزء حریم اجتماعی تلقی می‌شود. حریم اجتماعی در اختیار انسان‌ها قرار ندارد، چرا که اگر در حریم اجتماعی آزادی برای انسان‌ها باشد آنچه حاصل خواهد شد هر چه و هر چه بی‌نظمی است و به همین دلیل است که در هیچ جامعه‌ای اجازه داده نمی‌شود که ضوابط حاکم بر امور اجتماعی توسط افراد به دل خواه آن‌ها نقض شود، ولو اینکه افرادی باشند که بگویند ما این ضوابط را به هیچ وجه قبول نداریم. هر چه و هر چه از وجود یک دولت صد درصد مظلوم هم بدتر است. همچنین ما می‌بینیم که پیامبر اکرم (ص) در عمل چنین بود که رعایت اختیار و آزادی مردم را می‌کرد و آن‌ها را مجبور نمی‌کرد که بر طبق آنچه به آن اعتقاد ندارند، حتی در حریم خصوصی خودشان، عمل بکنند و بر همین اساس بود که به امیرالمؤمنین (ع) دستور داد که اگر مردم خواهان ولایت و حکومت تو شدند آنگاه ولایت و حکومت را بپذیر.

به عنوان اصل سوم این مطلب را اضافه کنم که در مسیر سعادت‌مند کردن شهروندان دولت اسلامی باید عاقلانه رفتار کند، یعنی کاری نکند که نه تنها سعادت شهروندان فراهم نشود، بلکه اقدام این دولت در مسیر دور شدن شهروندان از سعادت‌مندی باشد. معنای این سخن این است که اگر دولت اسلامی با استفاده از سلاح اجبار بخواهد مردم را به سوی سعادت‌مند شدن هدایت کند، نه تنها به نتیجه نمی‌رسد، بلکه به نتیجه عکس می‌رسد، یعنی مردم نه تنها سعادت‌مند نمی‌شوند، بلکه از دین متنفر خواهند شد و بدین ترتیب نقض غرض خواهد شد. پس حتی اگر ما نص روایی هم نداشته باشیم در مورد اینکه با زور نباید مردم را به سوی سعادت هدایت کرد، این قاعده عقلایی کافی است که نقض غرض یک امر مذموم است و هیچ عاقلی برای رسیدن به هدف خود آن هدف را نقض نمی‌کند و این یک قاعده عقلی است. بنابراین، رعایت این قاعده عقلی و عقلایی هم که اصولاً سعادت با اجبار و اکراه حاصل نمی‌شود یکی از اموری است که دولت اسلامی در مسیر سعادت‌مند کردن افراد باید بدان توجه داشته باشد.

### یکی از ضوابطی که در مسیر تأمین این هدف، یعنی سعادت‌مند کردن شهروندان دولت اسلامی، باید مورد توجه قرار بگیرد اصل رفق و مدارا است.

### آیا دولت اسلامی می‌تواند برای رساندن شهروندان به سعادت از الزام قانونی و قدرت استفاده کند؟

قبلاً عرض کردم که این هدف که شهروندان دولت اسلامی باید به سعادت برسند یک هدف مشروع است، بلکه ضرورت است. یعنی نه تنها دولت اسلامی مجاز است، بلکه موظف است که این کار را